## 229887 ـ دربارۀ برخی از انواع هدیه دادن‌ها می‌پرسد که آیا همان رشوۀ حرام است؟

**سوال**

من در یک کار دولتی مشغولم و همکارانی دارم. حکم دادن هدیه بین ما چیست؟ چه به مناسبت ازدواج یکی از ما یا برای بیشتر شدن محبت؟ این را باید بگویم که هیچ مصلحت مادی در این کار نیست و اینطور نیست که یکی از ما رئیس دیگری باشد بلکه همه در یک سطح کاری هستیم. من مبتلای وسواس هستم و در هر چیزی دقت می‌کنم و نمی‌توانم هدیه را از رشوه تشخیص دهم. همینطور می‌خواهم در این باره بپرسم که گاه با خودم شکلات به سر کار می‌برم و به همۀ کارمندان آن بخش می‌دهم. آیا جایز است که به مدیرم هم شکلات بدهم یا این کار جایز نیست؟ همینطور می‌خواهم بپرسم که مادرم نزدیک به دو سال است که از دنیا رفته و وقتی در بیمارستان بود گاهی با خودم شکلات یا کلوچۀ سنتی و دیگر چیزها به آنجا می‌بردم و یک بار ـ اگر اشتباه نکنم ـ با خودم پول نقد بردم و به پرستارها دادم تا بیشتر حواسشان به مادرم باشد، با اینکه آن وقت اصلا به یاد ندارم که گمان کرده باشم این رشوه باشد. اما الان وقتی یاد گذشته افتادم احساس می‌کنم این کارم رشوه بوده و پشیمان هستم و نمی‌خواهم مورد لعنت خداوند باشد. آیا اگر دست از گناه بکشم و پشیمان شوم باید چه کار دیگری انجام دهم که پروردگارم توبۀ مرا بپذیرد؟ و آیا نمازها و روزه‌های این دو سال من دچار مشکل نشده است؟

**پاسخ مفصل**

الحمدلله.

اولا:

هدیه مستحب است زیرا باعث نزدیک شدن دل‌ها و بهتر شدن برادری و خواهری اسلامی می‌شود.

رشوه حرام است زیرا باعث ظلم و دست درازی به حق دیگران و تقویت انگیزۀ حق خوری و خودخواهی می‌شود.

بنابراین تفاوت بین این دو واضح است؛ زیرا هدیه، شخص مقابل را به سمت محبتِ هدیه‌دهنده می‌کشاند اما رشوه باعث می‌شود شخصی که رشوه داده به حقی دست یابد که از آن او نیست یا حقی که بر عهدۀ اوست را انجام ندهد.

اما هدایایی که به کارمندان و مسئولان داده می‌شود: اگر این هدیه به سبب قدرتی باشد که آن شخص در کار خودش دارد یعنی به سبب این باشد که مدیر یا قاضی است، این کار حرام است و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از آن نهی کرده است زیرا ممکن است باعث مایل شدن آن آن مدیر یا قاضی به سمت شخصی شود که به او هدیه داده است و در نتیجه با او

رفتاری کند و چیزی را به او بدهد که حق او نیست.

بر این اساس، آنچه یک کارمند به همکارش می‌دهد هدیه است و رشوه نیست، زیرا سبب دوستی و محبت است و کسی که هدیه گرفته مسئولیتی ندارد که ممکن باشد به سبب آن هدیه در آن مسئولیت به سمتِ هدیه‌دهنده مایل شود یا چیزی بیش از حقش به او بدهد.

اما هدیه دادن به مدیر از باب رشوه یا وسیله‌ای به سوی آن است. زیرا مدیر بر کارمندان خود سلطه دارد و این هدیه ممکن است روی برخی از تصمیمات او تاثیر بگذارد.

با این حال، چیزهای ناچیزی مانند پخش کردن شیرینی میان مردم عرف شده و آن را رشوه نمی‌دانند به ویژه اگر این شیرینی میان همهٔ کارکنان شرکت پخش شود و چیز اضافه‌تری به مدیر داده نشود. در این حالت زیبا نیست و بر اساس عرف و عادت و طبع مردم هم جالب نیست که به همهٔ کارکنان شیرینی تعارف شود و به مدیر داده نشود!

ثانیا:

دادن هدیه از سوی بیمار یا خانوادهٔ او به پزشک یا پرستار کار درستی نیست، زیرا باعث می‌شود آنان به بیمار مورد نظر بیشتر رسیدگی کنند و به دیگر بیماران کم توجهی کنند و گاه باعث می‌شود که پرستار دیگر در کار خودش تلاش لازم را به خرج ندهد و به بیماران نرسد مگر آنکه به او هدیه داده شود.

با این حال چیزهای کوچکی مانند شکلات و دیگر اموری که بین مردم عرف شده مورد چشم پوشی است.

از شیخ عبدالعزیز بن باز ـ رحمه الله ـ پرسیده شد:

حکم هدیه‌ای که پس از معالجهٔ بیمار به پزشک داده می‌شود چیست؟ آیا مشروع و جایز است یا حرام است؟

ایشان چنین پاسخ دادند: «اگر پزشک در یک بیمارستان یا درمانگاه حکومتی باشد نباید به او چیزی داده شود اما اگر پس از پایان کار ـ بدون آنکه وعده‌ای در کار باشد ـ به او هدیه‌ای داده شود شاید این اشکالی نداشته باشد اما ترک آن به احتیاط نزدیکتر است حتی اگر پس از آن باشد، زیرا ممکن است که از داخل با او توافقی کند و و شاید بیشتر به او برسد و به دیگران بی‌توجهی کند بنابراین چیزی که به نظر من می‌آید این است که به او چیزی داده نشود حتی پس از پایان کار و این از روی بستن این در و بستن راه حیله‌گری [و دور زدن احکام شرع] است، بنابراین شایسته نیست که به او چیزی دهد بلکه برایش دعا کند و برایش توفیق و یاری الهی را بخواهد و بگوید: جزاک الله خیرا، با این سخن نیک برایت از خداوند توفیق و یاری می‌خواهم» (نور علی الدرب: ۱۹/ ۳۸۰ـ۳۸۱).

پیش‌تر در همین سایت، در فتوای شمارهٔ (12599) بیان شد که دادن هدیه به کارکنان به سبب مسئولیتی که دارند جایز

نیست.

مسلمان اگر کار حرامی را از روی ندانستن اینکه حرام است انجام دهد، خداوند از او درمی‌گذرد. الله تعالی می‌فرماید: وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً [احزاب: ۵] (در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده‌اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی [در مورد] آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد [و عمداً بر زبان می‌آورید، مسئول هستید و گناهکار می‌شوید؛ پس اگر توبه کنید،] همواره الله آمرزندهٔ مهربان است).

کسی که حکم را نمی‌داند عمدا مرتکب گناه نشده و این تاثیری بر عبادت‌های پیشین شما مانند نماز و روزه ندارد.

الله تعالی همچنین دربارهٔ کسانی که قبلا مرتکب ربا شده‌اند می‌فرماید: فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ [بقره: ۲۷۵] (پس هر کس که از [جانب] پروردگارش پندی به او برسد و [از رباخواری] دست بردارد، آنچه گذشته و [سودهایی که قبل از نزولِ حکمِ ربا دریافت کرده است] از آنِ اوست و [در مورد آینده نیز] کارش به الله واگذار می‌شود؛ و[لی] کسانی که [به رباخواری] بازگردند، اهل آتش [دوزخ] هستند و در آن جاودانند [یعنی مدت طولانی در آن خواهند بود]).

سپس این را بدان که هر آنچه گفتی ارتباطی به طاعت و عبادت شما ندارد، چه نماز باشد یا روزه یا زکات و یا دیگر عبادات. و هر چند کاری که کرده‌ای مباح یا حرام باشد، هر عملی که انجام داده باشی، کار مباح یا حرامی که انجام می‌دهی تاثیری بر آن ندارد؛ چه رسد به آنکه از روی ندانستن مرتکب خطایی شوی یا آنکه کاری که انجام داده‌ای مباح باشد و اشکالی در آن نباشد؟!

مهمترین چیزی که اینجا می‌توانیم شما را به آن نصیحت کنیم این است که به طور کامل از این وسواس دوری کنی و از آن به الله پناه ببری و توجهی به آن نکنی زیرا اگر وسواس بر تو چیره شود نزدیک است که امر دنیا و آخرت تو را تباه سازد.

در سایت ما پاسخ‌های بسیاری دربارهٔ وسواس و درمان آن هست که می‌توانید به آن مراجعه کنید و از آن بهره ببرید و همچنین توصیه می‌کنیم که به یک روان پزشک متخصص و مورد اعتماد مراجعه کنید زیرا انجام هر دو درمان شناختی و رفتاری و ایمان به همراه درمان پزشکی مادی باعث می‌شود که شفای شما به اذن پروردگار زودتر حاصل شود و اعصابتان از وسواس آسوده شود.

والله اعلم.